فصلنامه علمی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی»
سال شانزدهم، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۵
صفحات: ۱۶۸ - ۱۴۷
شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/RJIR.2026.32581.4048
«مقاله‌ی پژوهشی»

Pažuhešhnâme-ye Enghelâbe Eslâmi
A Quarterly Scientific Journal
on Islamic Revolution
Vol 16, No 59, Summer 2026

بازتعریف نظم امنیتی غرب آسیا در گفتمان رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای: تحلیل پیوند مقاومت، بازدارندگی و افول هژمونی آمریکا

بهنام رشیدی‌زاده[1*]
علی‌اصغر نصیری[2]

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تحلیل گفتمانی بازنمایی نظم امنیتی غرب آسیا در بیانات و پیام‌های رسمی رهبر معظم انقلاب اسلامی و تبیین بازتعریف مفاهیم امنیت، قدرت و نظم منطقه‌ای در چارچوب گفتمان مقاومت انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش: پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون مبتنی بر شبکه مضامین انجام شده است. داده‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و در سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد گفتمان مورد بررسی، نظم امنیتی غرب آسیا را در قالب «نظم منطقه‌ای در حال گذار» بازنمایی می‌کند؛ نظمی متأثر از افول هژمونی ایالات متحده و افزایش نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای. در این چارچوب، مقاومت فراتر از یک کنش سیاسی و ایدئولوژیک، به‌عنوان منطق مولد امنیت و بازدارندگی صورت‌بندی می‌شود. همچنین، مفهوم «ایران قوی» به‌مثابه صورت‌بندی هویتی و راهبردی، بر هم‌افزایی ظرفیت‌های مادی، نهادی و نمادین قدرت و نقش‌آفرینی ایران در معماری امنیت منطقه‌ای تأکید دارد.

نتیجه‌گیری: گفتمان مورد مطالعه صرفاً بازتاب تحولات امنیتی نیست، بلکه با تولید چارچوب‌های ادراکی بدیل، در بازتعریف مفاهیم نظم، امنیت و قدرت و بازسازی فهم نظم منطقه‌ای در غرب آسیا نقش‌آفرینی می‌کند. با این حال، سنجش میزان تأثیرگذاری آن بر نظم‌سازی منطقه‌ای، نیازمند مطالعات تطبیقی و بین‌گفتمانی است.

کلیدواژه‌ها: نظم امنیتی، غرب آسیا، مقاومت، بازدارندگی، افول هژمونی آمریکا.

۱- استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع). (نویسنده مسئول) **Email:** behnam.rashidizade@gmail.com
۲- استادیار و عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی شاهرود. **Email:** a.nasiri@shahroodut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

مقدمه

تحولات ژئوپلیتیکی و امنیتی غرب آسیا در سال‌های اخیر، از جمله تغییر در الگوهای مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بازتعریف نقش ایالات متحده در معادلات امنیتی منطقه و افزایش کنشگری بازیگران بومی، موجب بازاندیشی در مفهوم نظم امنیتی منطقه‌ای شده است. در این چارچوب، امنیت نه صرفاً به‌مثابه یک وضعیت مادی، بلکه به‌عنوان پدیده‌ای برساختی در نظر گرفته می‌شود که در فرآیندهای گفتمانی و از طریق تولید معنا، صورت‌بندی تهدید و بازتعریف مرزهای هویتی شکل می‌گیرد.

در ادبیات مطالعات امنیتی، این رویکرد عمدتاً در سنت‌های امنیت انتقادی و تحلیل گفتمان سیاسی دنبال شده است؛ جایی‌که زبان، معنا و قدرت در تولید واقعیت‌های امنیتی نقش بنیادین دارند. در این میان، بیانات و مواضع رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از منابع اصلی تولید گفتمان راهبردی در جمهوری اسلامی ایران، واجد ظرفیت تحلیلی قابل توجهی برای فهم نحوه بازنمایی نظم امنیتی منطقه‌ای و صورت‌بندی الگوهای بدیل نظم در غرب آسیاست.

مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین، بر توصیف مفاهیمی همچون مقاومت، بازدارندگی و امنیت منطقه‌ای تمرکز داشته‌اند؛ با این حال، کمتر به سازوکارهای گفتمانی تولید این مفاهیم و نحوه اتصال آن‌ها به ساختارهای معنایی کلان پرداخته شده است. همچنین در بسیاری از پژوهش‌ها، رابطه میان سطوح نظری، روش‌شناختی و تحلیلی به‌صورت یکپارچه و نظام‌مند تبیین نشده است.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر چنین صورت‌بندی می‌شود:

گفتمان امنیتی بازنمایی‌شده در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی چگونه نظم امنیتی غرب آسیا را در سطح معنایی بازتولید و بازتعریف می‌کند؟

این پژوهش با رویکرد کیفی و با ترکیب تحلیل گفتمان انتقادی (در سطح تفسیر مفهومی) و تحلیل مضمون مبتنی بر شبکه مضامین (در سطح سازمان‌دهی داده‌ها) انجام می‌شود. داده‌های پژوهش شامل مجموعه‌ای از بیانات، پیام‌ها و مواضع رسمی مرتبط با تحولات امنیتی غرب آسیا در بازه زمانی ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۵ است که جزئیات آن در بخش روش‌شناسی تشریح شده است.

از منظر نظری، پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که نظم امنیتی نه یک واقعیت عینی، بلکه محصول برساخت گفتمانی است. از این رو، تحلیل حاضر تلاش می‌کند پیوند میان سطح گفتمان، سطح تولید معنا و سطح سازمان‌دهی مضامین را به‌صورت یک زنجیره تحلیلی منسجم تبیین نماید.

از منظر نوآوری، این پژوهش تلاش می‌کند میان سه سطح تحلیل –گفتمان، مضامین و ساختار معنایی– پیوندی نظام‌مند ایجاد کند و از این طریق امکان فهم چندلایه از بازنمایی نظم امنیتی را فراهم سازد. بنابراین نوآوری پژوهش نه در خلق مفاهیم جدید، بلکه در ارائه یک چارچوب تحلیلی منسجم برای پیوند میان سطح گفتمانی و سطح مضمون‌یابی در تحلیل امنیت منطقه‌ای قابل تعریف است.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، هم‌زمان با تشدید تحولات ژئوپلیتیکی و امنیتی در غرب آسیا، ادبیات مطالعات امنیتی و روابط بین‌الملل شاهد تمرکز فزاینده بر مفاهیمی همچون افول هژمونی ایالات متحده، ظهور الگوهای مقاومت، بازتعریف نظم امنیتی منطقه‌ای و تقویت ترتیبات امنیت بومی بوده است. در سطح نظری، بخش مهمی از این ادبیات تحت تأثیر رهیافت‌های نوین مطالعات امنیتی، به‌ویژه نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ (بوزان، وور و دی وایلد[1]، ۱۹۹۸)، نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای (بوزان، وور، ۱۹۹۸)، رویکرد سازه‌انگارانه در روابط بین‌الملل (وندت[2]، ۱۹۹۹) و رهیافت‌های تحلیل گفتمان انتقادی (فرکلاف[3]، ۱۹۹۵؛ لاکلائو و موف[4]، ۱۹۸۵) شکل گرفته است. در این رویکردها، امنیت صرفاً یک واقعیت عینی و مادی تلقی نمی‌شود، بلکه محصول فرایندهای معناپردازی، بازنمایی هویت‌ها، دیگری‌سازی و تولید گفتمان‌های امنیتی است. از این منظر، نحوه صورت‌بندی مفاهیم امنیتی توسط بازیگران سیاسی می‌تواند در شکل‌گیری ادراکات امنیتی، تعریف تهدیدها و بازآرایی نظم منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

در چارچوب مطالعات امنیت منطقه‌ای، باری بوزان و اولی ویور (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که پویش‌های امنیتی در مناطق مختلف جهان بیش از آنکه تابع نظام بین‌الملل باشند، تحت تأثیر تعاملات هویتی، سیاسی و امنیتی بازیگران منطقه‌ای قرار دارند. همچنین الکساندر ونت (۱۹۹۹) تأکید می‌کند که ساختارهای امنیتی نه صرفاً بر پایه توزیع قدرت مادی، بلکه بر اساس هویت‌ها و معانی بیناذهنی شکل می‌گیرند. در حوزه تحلیل گفتمان نیز لاکلائو و موفه (۱۹۸۵) و فرکلاف (۱۹۹۵) نشان می‌دهند که گفتمان‌ها از طریق تثبیت معنا، در تولید واقعیت اجتماعی و سیاسی نقش اساسی دارند. با وجود این، در کاربرد این رهیافت‌ها در مطالعات غرب آسیا، تمرکز غالب بر سطوح ساختاری و ژئوپلیتیکی بوده و کمتر به سطح تولید گفتمان امنیتی در سطح رهبران سیاسی توجه شده است.

در ادبیات تجربی مرتبط با غرب آسیا، پژوهش‌های متعددی به موضوع محور مقاومت، افول هژمونی آمریکا و تغییرات نظم منطقه‌ای پرداخته‌اند. برای نمونه، مطالعاتی مانند خانعلی‌زاده و سلیمی، یا دهشیری و حسینی‌فهرجی نشان می‌دهند که مقاومت به‌عنوان یک کنشگر یا سازوکار ژئوپلیتیکی، در بازآرایی موازنه قدرت منطقه‌ای نقش مهمی ایفا کرده است. با این حال، وجه مشترک این مطالعات آن است که عمدتاً در سطح تحلیل ساختاری و کارکردی باقی مانده و کمتر به سازوکارهای تولید معنا، بازنمایی امنیت و صورت‌بندی گفتمانی این مفاهیم در سطح رهبری سیاسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند.

در سطح بین‌المللی نیز، آثاری مانند کمپبل[5] (۱۹۹۸) و ویور (۱۹۹۵) نشان می‌دهند که امنیت و سیاست خارجی همواره درون یک نظام گفتمانی از بازنمایی «خود/دیگری» و کنش‌های گفتاری تولید می‌شوند. با

1. Buzan, Wæver & de Wilde
2. Wendt
3. Fairclough
4. Laclau & Mouffe
5. Campbell

این حال، این ادبیات عمدتاً در بسترهای غربی توسعه یافته و کمتر به زمینه‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا و گفتمان‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران تعمیم یافته است.

بررسی انتقادی ادبیات موجود نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره مفاهیمی همچون مقاومت، افول هژمونی ایالات متحده و تحولات نظم امنیتی غرب آسیا، به لحاظ محتوایی دارای هم‌پوشانی‌های مفهومی هستند. به عبارت دیگر، بسیاری از این مطالعات در تبیین نقش محور مقاومت در بازآرایی قدرت منطقه‌ای یا در تحلیل گذار از نظم هژمونیک به نظم چندقطبی، به نتایج مشابهی دست یافته‌اند و از این منظر، نوعی «تکرار تحلیلی» در سطح توصیف کلان مفاهیم قابل مشاهده است.

با این حال، این هم‌پوشانی به معنای فقدان نوآوری در پژوهش حاضر نیست، بلکه نشان‌دهنده آن است که نوآوری باید نه در سطح مفاهیم کلان مشترک، بلکه در سطح واحد تحلیل، روش بازنمایی و سازوکارهای تولید معنا جست‌وجو شود. در واقع، مطالعات پیشین عمدتاً بر «چیستی مقاومت و افول هژمونی» تمرکز داشته‌اند، در حالی که این پژوهش بر «چگونگی صورت‌بندی گفتمانی این مفاهیم در سطح رهبری سیاسی و بازنمایی آن‌ها در قالب یک نظم امنیتی منسجم» متمرکز است.

از این منظر، تمایز اصلی پژوهش حاضر با ادبیات موجود در سه سطح قابل تبیین است: نخست، تغییر واحد تحلیل از ساختارهای ژئوپلیتیکی به «گفتمان راهبردی رهبر سیاسی»؛ دوم، تمرکز بر فرآیندهای بازنمایی و معناپردازی امنیتی به جای توصیف پیامدهای ژئوپلیتیکی؛ و سوم، ارائه یک مدل شبکه‌ای برای اتصال مفاهیم پراکنده‌ای همچون مقاومت، بازدارندگی فعال و افول هژمونی در قالب یک منظومه تحلیلی منسجم.

بنابراین، اگرچه در سطح مفاهیم کلان نوعی هم‌پوشانی با ادبیات پیشین وجود دارد، اما نوآوری این پژوهش در سطح «بازآرایی نظری و روش‌شناختی» قابل شناسایی است؛ به‌گونه‌ای که از بازتولید ساده مفاهیم موجود فاصله گرفته و به سمت ارائه یک چارچوب تحلیلی برای فهم نحوه تولید نظم امنیتی در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی ایران حرکت می‌کند.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه گفتمان لاکلائو و موفه استوار است. در این رویکرد، واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، از جمله امنیت و نظم منطقه‌ای، نه پدیده‌هایی ذاتاً عینی و از پیش‌داده، بلکه برساخته‌هایی گفتمانی هستند که در بستر رقابت میان گفتمان‌های مختلف و از طریق تثبیت موقت معنا شکل می‌گیرند. بر این اساس، مفاهیمی همچون «مقاومت»، «هژمونی»، «بازدارندگی» و «نظم امنیتی» واجد معنای ذاتی نیستند، بلکه در فرآیند مفصل‌بندی گفتمانی و در قالب زنجیره‌های هم‌ارزی و تمایزگذاری‌های معنایی تثبیت می‌شوند.

در این چارچوب، گفتمان امنیتی به‌مثابه یک نظام معنایی تلقی می‌شود که از طریق آن، مرز میان «خود» و «دیگری»، «تهدید» و «امنیت»، و «نظم موجود» و «نظم مطلوب» ساخته و بازتولید می‌شود. بنابراین،

تحلیل بیانات رهبر سیاسی در این پژوهش، معطوف به شناسایی سازوکارهای تولید معنا و نحوه صورت‌بندی یک نظم امنیتی بدیل در سطح گفتمانی است.

بر این اساس، این پژوهش از یک منطق نظری واحد پیروی می‌کند و از تلفیق نظریه‌های متعدد پرهیز دارد؛ به‌گونه‌ای که نظریه گفتمان لاکلائو و موفه هسته مرکزی تبیین را تشکیل می‌دهد و سایر ارجاعات نظری صرفاً در سطح مفهومی و برای غنی‌سازی ادبیات، بدون نقش تبیینی مستقل، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب، انسجام نظری پژوهش بر پایه یک رویکرد واحد و غیرتلفیقی حفظ شده است.

در این میان، روش تحلیل مضمون صرفاً به‌عنوان ابزار روش‌شناختی برای سازمان‌دهی و استخراج داده‌های متنی به‌کار گرفته شده است و هیچ نقش نظری در تبیین مفاهیم ندارد. تحلیل مضمون در این پژوهش، سازوکاری برای تبدیل متن‌های گفتمانی به کدها، مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده است تا امکان بازسازی ساختار معنایی گفتمان فراهم شود. بنابراین، میان «نظریه» و «روش» تمایز روشن برقرار است: نظریه، منطق تبیین معنا را فراهم می‌کند و روش، ابزار گردآوری و سامان‌دهی داده‌ها را.

پس، چارچوب نظری پژوهش بر یک گزاره محوری استوار است: «نظم امنیتی به‌مثابه برساخت گفتمانی». در این چارچوب، گفتمان سیاسی مورد مطالعه از طریق مفصل‌بندی دال‌های مرکزی و ایجاد شبکه‌ای از روابط معنایی، تصویری بدیل از نظم امنیتی غرب آسیا تولید می‌کند؛ نظمی که در آن مفاهیم مقاومت و افول هژمونی نه صرفاً توصیف واقعیت، بلکه عناصر سازنده یک ساختار معنایی منسجم هستند.

در ادامه تلاش شده در چارچوب نظری مبتنی بر لاکلائو و موفه، مدل مفهومی زیر ترسیم شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث ماهیت در زمره تحقیقات کیفی- تفسیری قرار می‌گیرد و با هدف تحلیل گفتمان سیاسی- امنیتی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص بازنمایی نظم امنیتی غرب آسیا انجام شده است. تمرکز اصلی پژوهش بر تحلیل تولید معنا در سطح گفتمان است و نه تحلیل آماری یا تبیینی متغیرها.

تمایز چارچوب نظری و روش‌شناسی

چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر نظریه گفتمان لاکلائو و موفه است که واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی را برساخته‌های گفتمانی می‌داند که از طریق مفصل‌بندی دال‌ها و زنجیره‌های هم‌ارزی شکل می‌گیرند. در این رویکرد، مفاهیمی همچون مقاومت، هژمونی و نظم امنیتی دارای معنای ذاتی و ثابت نیستند، بلکه در فرآیندهای گفتمانی تثبیت و بازتثبیت می‌شوند.

در این پژوهش، نظریه مذکور صرفاً نقش «چارچوب تبیینی سطح کلان» را دارد و در فرآیند استخراج، کدگذاری و تحلیل داده‌ها مداخله مستقیم ندارد. بنابراین، سطح نظری (تبیین منطق تولید معنا) از سطح

روش‌شناختی (تحلیل داده‌های متنی) کاملاً تفکیک شده استبر این اساس، تحلیل داده‌ها صرفاً بر مبنای روش «تحلیل مضمون» انجام می‌شود و نه تحلیل گفتمان به معنای روش عملیاتی.



روش گردآوری داده‌ها

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه پیام‌ها و مواضع رسمی منتشرشده از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی در پایگاه رسمی دفتر حفظ و نشر آثار ایشان در بازه زمانی ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۵ است.

نمونه‌گیری به روش هدفمند و با رویکرد بیشینه‌سازی غنای مفهومی انجام شده است. بر این اساس، پنج متن کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش (شامل امنیت منطقه‌ای، مقاومت، بازدارندگی و تحولات ژئوپلیتیکی غرب آسیا) انتخاب گردید.

واحد تحلیل

واحد تحلیل در این پژوهش «گزاره معنایی مستقل» است؛ به این معنا که هر جمله یا بخش از متن که حامل یک مفهوم کامل در حوزه سیاسی- امنیتی باشد، به‌عنوان یک واحد تحلیل در نظر گرفته شده است.

روش تحلیل داده‌ها

روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش «تحلیل مضمون» با رویکرد «شبکه مضامین»است. این روش امکان سازمان‌دهی نظام‌مند داده‌های کیفی را در سه سطح فراهم می‌سازد:

۱) مضامین پایه: استخراج واحدهای اولیه معنایی از متن
۲) مضامین سازمان‌دهنده: طبقه‌بندی مفاهیم مشابه در خوشه‌های معنایی
۳) مضامین فراگیر: استخراج ساختار کلان و هسته معنایی گفتمان

در نهایت، روابط میان این سطوح در قالب «شبکه مضامین» ترسیم و تحلیل شد.

مراحل تحلیل داده‌ها

فرآیند تحلیل در سه مرحله انجام شد:

مرحله اول: کدگذاری باز

در این مرحله، متن به واحدهای معنایی مستقل شکسته شد و کدهای اولیه بدون پیش‌فرض نظری استخراج گردید.

مرحله دوم: کدگذاری محوری (سازمان‌دهی مضامین)

در این مرحله، کدهای اولیه بر اساس شباهت معنایی دسته‌بندی و در قالب مضامین سازمان‌دهنده ادغام شدند.

مرحله سوم: استخراج مضامین فراگیر

در سطح سوم، مضامین سطح پایین به سطح انتزاعی‌تر ارتقا یافته و ساختار کلان گفتمان بازسازی شد.

اعتبار و روایی پژوهش

برای افزایش قابلیت اعتماد پژوهش از راهبردهای زیر استفاده شده است:

- انجام کدگذاری در چند مرحله و بازبینی مستمر
- بازکدگذاری مستقل برای کنترل خطای تفسیری
- مقایسه مستمر داده خام با کدهای استخراج‌شده
- استفاده از داوری همتا در بخشی از داده‌ها
- ثبت کامل فرآیند تحلیل برای امکان بازبینی
- رعایت اصل اشباع نظری (عدم ظهور کد جدید در داده‌های پایانی)

کنترل پایایی

برای افزایش پایایی، بخشی از داده‌ها به‌صورت مستقل بازکدگذاری شد و میزان هم‌پوشانی کدها در سطح قابل قبول پژوهش‌های کیفی (بیش از ۸۰ درصد توافق مفهومی) قرار گرفت.

نکته حائز اهمیت اینکه، در این پژوهش، تحلیل مضمون به‌عنوان ابزار روش‌شناختی برای سازمان‌دهی داده‌ها به‌کار رفته و هیچ نقش تبیینی ندارد. در مقابل، نظریه گفتمان لاکلائو و موفه صرفاً به‌عنوان چارچوب مفهومی کلان برای فهم منطق تولید معنا در سطح گفتمان استفاده شده است.

به این ترتیب، انسجام روش‌شناختی پژوهش بر پایه تفکیک کامل میان «نظریه (تبیین)» و «روش (تحلیل داده)» تضمین شده و از هرگونه اختلاط سطح نظری و عملیاتی جلوگیری شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، تحلیل داده‌ها با تأکید بر تمایز میان سطح «متن به‌عنوان داده خام» و سطح «مفصل‌بندی تحلیلی پژوهشگر» انجام شده است. بدین منظور، مجموعه‌ای از بیانات و پیام‌های رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی سید مجتبی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بازه زمانی ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۵ که در پایگاه رسمی دفتر حفظ و نشر آثار ایشان منتشر شده‌اند، به‌عنوان واحدهای معنایی مستقل مورد بررسی قرار گرفتند. در مرحله نخست، داده‌ها بدون اعمال پیش‌فرض نظری کدگذاری شدند تا امکان استخراج الگوهای معنایی در سطح متن فراهم شود.

فرآیند تحلیل بر اساس رویکرد تحلیل مضمون و در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در کدگذاری باز، واحدهای معنایی مرتبط با مفاهیمی همچون مقاومت، بازدارندگی، افول هژمونی، نظم منطقه‌ای، جنگ ترکیبی و ایران قوی استخراج گردید. در مرحله کدگذاری محوری، این کدها بر اساس روابط مفهومی، هم‌نشینی معنایی و تکرار الگوهای دلالتی در قالب مضامین سازمان‌دهنده طبقه‌بندی شدند. در نهایت، مضامین فراگیر به‌عنوان لایه انتزاعی‌تر تحلیل استخراج شد که بیانگر منطق کلان گفتمان امنیتی مورد مطالعه است.

در ادامه، یافته‌های حاصل از تحلیل در قالب یک شبکه مضامین سازمان‌دهی شده‌اند که در آن، هر مضمون فراگیر مجموعه‌ای از مضامین سازمان‌دهنده و مجموعه‌ای از گزاره‌های متنی را دربرمی‌گیرد. این ساختار شبکه‌ای امکان فهم روابط درونی میان مفاهیم کلیدی گفتمان و نحوه صورت‌بندی آن‌ها در سطح کلان را فراهم می‌سازد.

جدول ۱: تحلیل مضامین پیام‌های رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای

مضامین پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
آینده درخشان منطقه خلیج فارس، آینده‌ای بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملّت‌هایش (۲۰۲۶/۴/۳۰).	افول حضور و نقش‌آفرینی آمریکا در منطقه و گذار به نظم جدید	نظم جدید منطقه‌ای و افول هژمونی آمریکا
ثابت شدن مهمترین عامل ناامنی در منطقه بودن حضور بیگانگان آمریکایی در میان افکار عمومی جهان و ملّت‌های منطقه، حتی برای سلاطین و حاکمان کشورها (۲۰۲۶/۴/۳۰).		
تاب و توان تأمین امنیت خود را نیز نداشتن پایگاه‌های پوشالی آمریکا (۲۰۲۶/۴/۳۰).		
طلیعه نظم جدید منطقه و جهان شدنِ زنجیره این ظفر محقق شده به لطف پروردگار تبارک و تعالی در سایه تدابیر و سیاست‌های مقاومت و راهبرد ایران قوی (۲۰۲۶/۴/۳۰).		
قواعد حقوقی و اِعمال مدیریت جدید تنگه هرمز، به نفع آسایش و پیشرفت همه ملّت‌های منطقه (۲۰۲۶/۴/۳۰).	مدیریت تنگه هرمز بدون حضور بیگانگان	مقاومت منطقه‌ای و نفی سلطه بیگانگان
بیشترین جانفشانی‌ها در راه استقلال خلیج فارس و مقابله با بیگانگان و متجاوزان توسط ملت ایران (۲۰۲۶/۴/۳۰).		
جایی در خلیج فارس نداشتن بیگانگان طمع‌کار و شرارت کننده در آن، مگر در قعر آب‌هایش (۲۰۲۶/۴/۳۰).		
محقق شدن زنجیره این ظفر در سایه تدابیر و سیاست‌های مقاومت و راهبرد ایران قوی (۲۰۲۶/۴/۳۰).		
سرمایه ملّی خود فرض کردنِ تمامی ظرفیت‌های هویتی، معنوی، انسانی، علمی، صنعتی و فناوری‌های پایه‌ای و نوین (۲۰۲۶/۴/۳۰).	ظرفیت‌های ملی و ایران قوی	هویت مقاومت‌محور و ایران قوی
منطقه خلیج فارس را ایمن کردنِ ایران اسلامی با شُکر عملی نعمت اِعمال مدیریت بر تنگه هرمز (۲۰۲۶/۴/۳۰).		
ملت قهرمان ایران، پیروز قطعی این میدان (۲۰۲۶/۴/۳۰).	حماسه دفاع مقدس سوم و شکست دشمن	جنگ تحمیلی سوم و بسیج عمومی ملت
رهبری کردن کشور و ضمانت کردن اقتدار آن توسط ملت بزرگ ایران (۲۰۲۶/۴/۹).		
جهالت و نادانی مستکبران، سرآغاز فصل نوین از قدرت‌گیری و برآمدن نام ایران و انقلاب اسلامی (۲۰۲۶/۴/۹).		
حماسه ساختن ملت آگاه و هوشیار ایران از این داغ و رجز ساختن از رثاء (۲۰۲۶/۴/۳۰).		
دوست را به تحسین و دشمن را به حیرت وا داشتن بصیرت و هوشمندی ملت بزرگ ایران (۲۰۲۶/۴/۹).	پیوند ایمان، شکر و امداد الهی	

در دشمن شکستگی بوجود آمدن در اثر وحدت عجیب بین شما هموطنان با همه تفاوت خاستگاه‌های مذهبی، فکری، فرهنگی و سیاسی (۲۰۲۶/۳/۲۰).		مشروعیت الهی مقاومت و نظام اسلامی
جمع شدن همه زیر پرچم وطن و روز به روز به عدد این جمع و به کیفیت آن افزوده شدن (۲۰۲۶/۴/۹).		
لزوم مورد شکر قرار گرفتن این نعمت برای بقا و رشد داشتن (۲۰۲۶/۴/۹).		
شکر عملی این نعمت، تلاش بی‌وقفه برای رسیدن به ایران قوی (۲۰۲۶/۴/۹).		
ایستادن ما با ایمان به خدای متعال و توسل به ائمه معصومین در زیر پرچم جنابتان (۲۰۲۶/۴/۹).	اقتصاد به‌عنوان میدان مقاومت	اقتصاد مقاومتی و جنگ اقتصادی
نکته کانونی در مقابل جنگ اقتصادی، تأمین معیشت مردم و ارتقاء زیرساخت‌های زیستی و رفاهی و تولید ثروت (۲۰۲۶/۳/۲۰).		
یک روزنه امید دشمن، بهره‌گیری از ضعف‌های اقتصادی و مدیریتی شکل گرفته از دیرباز (۲۰۲۶/۳/۲۰).		
نکته کانونی و نوعی دفاع و بلکه پیشروی چشمگیر در مقابل جنگ اقتصادی دشمن بودنِ تأمین معیشت مردم و ارتقاء زیرساخت‌های زیستی و رفاهی و تولید ثروت برای عموم مردم (۲۰۲۶/۳/۲۰).		
اعلام شعار امسال به «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» اعلام می‌دارم.» با تأسی به رهبر عظیم‌الشأن شهید (۲۰۲۶/۳/۲۰).	جنگ رسانه‌ای و عملیات شناختی دشمن	بازنمایی دشمن و تهدیدات ترکیبی
عملیات رسانه‌ای او در این ایام به‌طور خاص با نشانه‌گیری ذهن و روان آحادی از مردم قصد خدشه در وحدت ملّی و به تبَع در امنیت ملی را داشتن (۲۰۲۶/۳/۲۰).		
امری لازم بودن مراقبت از گوش‌هایمان به عنوان پنجره مغز و قلب در مقابل رسانه‌های تحت حمایت دشمن یا هم‌سوی با ایشان (۲۰۲۶/۴/۹).		
خیرخواه کشور و ملت ایران نبودن رسانه‌های تحت حمایت دشمن (۲۰۲۶/۴/۹).	سیاست همسایگی و جبهه مقاومت	راهبرد منطقه‌ای و روابط همسایگی
همیشه مایل به ارتباط گرم و سازنده بوددن ما با همه پانزده کشور دارای همسایگی خاکی یا آبی (۲۰۲۶/۳/۱۲).		
کشورهای جبهه مقاومت، بهترین دوستان ما و امر مقاومت و جبهه مقاومت، جزئی جدایی‌ناپذیر از ارزش‌های انقلاب اسلامی (۲۰۲۶/۳/۱۲).		
به مرحله جدیدی وارد شدن، مدیریت تنگه هرمز توسط ما (۲۰۲۶/۴/۹).	نفی سلطه بیگانگان و	خلیج فارس به‌عنوان میدان
بیشترین جانفشانی‌ها در راه استقلال خلیج فارس و مقابله با بیگانگان و متجاوزان توسط ملت ایران (۲۰۲۶/۴/۳۰).		

از اخراج پرتغالی‌ها و آزادسازی تنگه هرمز تا مبارزه علیه استعمار هلند و نیز حماسه‌های مقاومت در مقابل استعمار انگلیس (۲۰۲۶/۴/۳۰).	مقاومت تاریخی ملت ایران	مقاومت و نفی سلطه بیگانگان
انقلاب اسلامی نقطه عطف این مقاومت‌ها در کوتاه کردن دست مستکبران از منطقه خلیج فارس (۲۰۲۶/۴/۳۰).		
جایی در خلیج فارس نداشتن بیگانگان طمع‌کار و شرارت کننده در آن، مگر در قعر آب‌هایش (۲۰۲۶/۴/۳۰).	جنگ تحمیلی سوم و تولید قدرت اجتماعی و سیاسی	تبدیل تهدید به فرصت و تولید قدرت ملی
تبدیل جنگ تحمیلی سوم به صحنه حماسه دفاع مقدس سوم (۲۰۲۶/۴/۹).		
اسفند ۱۴۰۴ سرآغاز فصل نوین از قدرت‌گیری و برآمدن نام ایران و انقلاب اسلامی (۲۰۲۶/۴/۹).		

تفسیر یافته‌ها و تحلیل مضامین

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها در قالب شبکه مضامین، با هدف صورت‌بندی ساختار معنایی گفتمان امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تأکید اصلی در این مرحله، نه بر تبیین نظریِ مفاهیم، بلکه بر سازمان‌دهی و نمایش روابط میان مضامین استخراج‌شده از داده‌های متنی است.

در چارچوب پژوهش حاضر، بیانات و مواضع رهبر انقلاب اسلامی به‌عنوان داده‌های گفتمانی، واجد کارکرد تولید معنا در حوزه امنیت منطقه‌ای تلقی شده و از طریق فرآیند تحلیل مضمون، به سطوح مختلف معنایی تفکیک شده‌اند. این سطوح شامل مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و در نهایت مضامین فراگیر است که در قالب یک شبکه معنایی به‌هم‌پیوسته سازمان‌دهی شده‌اند.

بر این اساس، مفاهیم کلیدی پژوهش از جمله «مقاومت»، «بازدارندگی فعال»، «افول هژمونی»، «ایران قوی» و «نظم جدید منطقه‌ای»، نه به‌صورت مفاهیم انتزاعی، بلکه به‌عنوان برآیندهای قابل استخراج از داده‌های متنی، در ساختار شبکه مضامین بازنمایی شده‌اند.

در ادامه، مهم‌ترین مضامین و مقولات استخراج‌شده به‌صورت نظام‌مند ارائه می‌شود تا زمینه لازم برای تحلیل ساختار معنایی گفتمان و تبیین روابط میان سطوح مختلف مضامین فراهم گردد.

الف) بازتعریف نظم منطقه‌ای و افول هژمونی آمریکا

یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون نشان می‌دهد که در گفتمان مورد بررسی، تحولات امنیتی غرب آسیا نه به‌صورت رخدادهای منفصل، بلکه در قالب یک ساختار معنایی منسجم حول مفهوم «گذار در نظم منطقه‌ای» صورت‌بندی می‌شوند. در این ساختار، تغییر در جایگاه و نقش ایالات متحده آمریکا به‌عنوان مضمون مرکزی گفتمان قابل شناسایی است که سایر مضامین پیرامونی را سازمان‌دهی می‌کند.

در سطح مضامین پایه، گزاره‌هایی مانند کاهش کارآمدی حضور آمریکا، بازتعریف نقش نیروهای فرامنطقه‌ای و تغییر ادراک افکار عمومی نسبت به امنیت منطقه‌ای در داده‌ها مشاهده می‌شود. این مضامین

در سطح بالاتر در قالب مضمون سازمان‌دهنده «افول کارکرد امنیت‌ساز ایالات متحده در غرب آسیا» تجمیع شده‌اند.

در همین چارچوب، یکی از دال‌های محوری گفتمان، تغییر در ادراک نسبت به نقش حضور آمریکا در منطقه است. این تغییر در پیام دهم اردیبهشت ۱۴۰۵ به مناسبت روز ملی خلیج فارس، به شکل زیر بازنمایی شده است:

«امروز به عنایات حضرت حق جَلَّ‌وعَلا و به برکت خون شهدای مظلوم جنگ تحمیلی سوم علی‌الخصوص رهبر عظیم‌الشأن و دوراندیش انقلاب اسلامی اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف، نه فقط در میان افکار عمومی جهان و ملّت‌های منطقه، حتی برای سلاطین و حاکمان کشورها نیز ثابت شد که حضور بیگانگان آمریکایی و لانه‌گزینی و آشیانه‌کردن آنها در سرزمین‌های خلیج فارس، مهمترین عامل ناامنی در منطقه است».

این گزاره در سطح تحلیلی نشان‌دهنده جابه‌جایی در «رژیم ادراک امنیتی منطقه» است؛ به‌گونه‌ای که نقش آمریکا از یک کنشگر امنیت‌ساز به یک عامل تولید ناامنی بازنمایی می‌شود. در این چارچوب، آنچه اهمیت می‌یابد نه صرف حضور نظامی، بلکه تغییر در مشروعیت ادراکی این حضور است.

در ادامه، مضمون «افول هژمونی» در این گفتمان نه صرفاً به معنای کاهش قدرت سخت، بلکه به‌مثابه فرسایش جایگاه معنایی و نمادین آمریکا نیز قابل تحلیل است. این معنا در این فرا از پیام رهبری به وضوح نیز قابل مشاهده است:

«پایگاه‌های پوشالی آمریکا تاب و توان تأمین امنیت خود را نیز ندارد، چه رسد به اینکه امیدی به تأمین امنیت وابستگان و آمریکاپرستان منطقه توسط آمریکا باشد» (پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز ملی خلیج فارس، ۲۰۲۶/۴/۳۰).

این گزاره در سطح تحلیل مضمون، بیانگر تضعیف تصویر «اقتدار بازدارنده» آمریکا و تبدیل آن به «قدرتی فاقد کارآمدی امنیتی» است. در نتیجه، هژمونی نه تنها در سطح نظامی، بلکه در سطح بازنمایی گفتمانی نیز دچار فرسایش شده است.

در سطح مضامین سازمان‌دهنده، این تحولات در قالب «گذار از نظم امنیتی آمریکامحور به نظم منطقه‌محور» قابل شناسایی است. در این الگو، نظم منطقه‌ای نه یک وضعیت ثابت، بلکه یک فرآیند در حال بازآرایی است که در آن نقش کنشگران فرامنطقه‌ای به‌تدریج کاهش یافته و نقش بازیگران بومی تقویت می‌شود. این تحول در این فراز از پیام رهبر معظم انقلاب نیز بازتاب یافته است: « به حول و قوّه الهی آینده‌ی درخشان منطقه‌ی خلیج فارس، آینده‌ای بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملّت‌هایش خواهد بود. ما با همسایگان‌مان در پهنه‌ی آبی خلیج فارس و دریای عمان «هم‌سرنوشت» هستیم و بیگانگانی که از هزاران کیلومتر دورتر، طمع‌کارانه در آن شرارت می‌کنند، جایی در آن ندارند مگر در قعرِ آب‌هایش. و زنجیره‌ی این ظفر که به لطف پروردگار تبارک و تعالی در سایه‌ی تدابیر و سیاست‌های

مقاومت و راهبرد ایران قوی محقّق شده است، طلیعه‌ی نظم جدید منطقه و جهان خواهد بود» (پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز ملی خلیج فارس، ۲۰۲۶/۴/۳۰).

این بیان، در سطح فراگیر گفتمانی، نشان‌دهنده ترسیم افق یک نظم بدیل است که در آن وابستگی امنیتی به قدرت‌های بیرونی جای خود را به الگوی خوداتکایی منطقه‌ای می‌دهد. در این معنا، «نظم جدید منطقه‌ای» به‌عنوان مضمون فراگیر، بیانگر گذار از منطق مداخله بیرونی به منطق کنشگری درون‌زا است.

همچنین در داده‌ها، پیوند میان افول نقش آمریکا و تقویت جایگاه مقاومت به‌عنوان یک منطق کنشگرانه قابل مشاهده است؛ به‌گونه‌ای که مقاومت در این گفتمان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در بازآرایی نظم منطقه‌ای بازنمایی می‌شود.

در جمع‌بندی این مقوله می‌توان گفت،یافته‌های تحلیل مضمون نشان می‌دهد که گفتمان مورد بررسی در حال صورت‌بندی یک نظم امنیتی بدیل است؛ نظمی که در آن، مرکز ثقل امنیت از قدرت‌های فرامنطقه‌ای به کنشگران بومی منتقل شده و مشروعیت نظم پیشین مورد بازتعریف قرار گرفته است.

ب) مقاومت منطقه‌ای و بازدارندگی فعال در برابر سلطه بیگانگان

یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون نشان می‌دهد که در گفتمان مورد بررسی، مفهوم «مقاومت» نه به‌عنوان یک کنش مقطعی یا واکنشی، بلکه به‌مثابه یک منطق پایدار در تولید و بازآرایی نظم امنیتی غرب آسیا صورت‌بندی می‌شود. در این ساختار معنایی، مقاومت به‌عنوان هسته مرکزی گفتمان عمل کرده و سایر مضامین پیرامونی نظیر بازدارندگی فعال، نفی حضور بیگانگان و بازتعریف ژئوپلیتیک منطقه را سازمان‌دهی می‌کند.

در سطح مضامین پایه، گزاره‌هایی مانند نفی حضور نیروهای فرامنطقه‌ای، تأکید بر استقلال منطقه‌ای، بازتعریف نقش تنگه هرمز، و تاریخی‌سازی مقاومت در برابر استعمار، در داده‌ها قابل شناسایی است. این مضامین در سطح بالاتر در قالب مضمون سازمان‌دهنده «مقاومت به‌مثابه منطق تولید امنیت و بازدارندگی فعال» تجمیع می‌شوند.

در همین چارچوب، یکی از دال‌های محوری گفتمان، بازتعریف نقش حضور بیگانگان در منطقه است. این معنا در پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت روز ملی خلیج فارس در دهم اردیبهشت ۱۴۰۵ به‌صورت زیر صورت‌بندی شده است: «قواعد حقوقی و اِعمال مدیریت جدید تنگه هرمز را به نفع آسایش و پیشرفت همه‌ی ملت‌های منطقه رقم خواهد زد».

این گزاره در سطح تحلیلی نشان می‌دهد که تنگه هرمز از یک گذرگاه صرفاً ژئوپلیتیکی به یک «کانون تولید امنیت منطقه‌ای» بازتعریف شده است؛ به‌گونه‌ای که امنیت نه از بیرون، بلکه از درون سازوکارهای بومی و منطقه‌ای قابل تولید است.

در امتداد همین معنا، مقاومت در این گفتمان با مفهوم «استقلال » گره می‌خورد و در قالب یک تجربه تاریخی تداوم‌یافته بازخوانی می‌شود. اشاره به نقش ملت ایران در «مقابله با بیگانگان و متجاوزان» و دفاع

از «استقلال خلیج فارس» در این فراز از پیا رهبری به مناسبت رئوز ملی خلیج فارس خود بهترین گواه این مدعاست: « ملّت ایران که دارای بیشترین ساحل خاکی خلیج فارس است، بیشترین جانفشانی‌ها را در راه استقلال خلیج فارس و مقابله با بیگانگان و متجاوزان داشته است؛ از اخراج پرتغالی‌ها و آزادسازی تنگه هرمز که مبنای نامگذاری دهم اردیبهشت ماه به عنوان روز ملی خلیج فارس شده است، تا مبارزه علیه استعمار هلند و نیز حماسه‌های مقاومت در مقابل استعمار انگلیس و... اما انقلاب اسلامی، نقطه عطف این مقاومت‌ها در کوتاه کردن دست مستکبران از منطقه‌ی خلیج فارس بود و امروز با گذشت دو ماه از بزرگترین لشکرکشی و تجاوز زورگویان دنیا در منطقه و شکست مفتضحانه‌ی آمریکا در نقشه‌ی خود، فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است» (پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز ملی خلیج فارس، ۲۰۲۶/۴/۳۰).

این گزاره نشان می‌دهد که مقاومت در این گفتمان، صرفاً یک راهبرد معاصر نیست، بلکه در امتداد یک حافظه تاریخی از کنش ضدسلطه قرار دارد که به مشروعیت‌بخشی به نظم مطلوب کنونی کمک می‌کند.

در ادامه این منطق، «نفی حضور بیگانگان» به یکی از عناصر مرکزی بازتعریف امنیت منطقه‌ای تبدیل می‌شود. گزاره «بیگانگانی که از هزاران کیلومتر دورتر ... جایی در آن ندارند مگر در قعر آب‌هایش» (پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز ملی خلیج فارس، ۲۰۲۶/۴/۳۰)، نشان‌دهنده جابه‌جایی در رژیم معنایی امنیت است؛ به‌گونه‌ای که حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای نه به‌عنوان عامل امنیت‌ساز، بلکه به‌عنوان منشأ ناامنی بازنمایی می‌شود.

در سطح مضامین سازمان‌دهنده، این تحولات در قالب «گذار از امنیت مبتنی بر حضور خارجی به امنیت درون‌زا و مقاومت‌محور» قابل شناسایی است. در این الگو، امنیت منطقه‌ای محصول کنش بازیگران بومی و سازوکارهای درونی قدرت است و نقش نیروهای بیرونی به‌صورت ساختاری به حاشیه رانده می‌شود.

در سطح مضمون فراگیر، تمامی این دلالت‌ها در قالب «نظم مقاومت‌محور منطقه‌ای و افول نقش امنیتی قدرت‌های فرامنطقه‌ای» قابل صورت‌بندی است. در این منطق، مقاومت نه صرفاً یک واکنش سیاسی، بلکه یک منطق مولد نظم است که هم‌زمان فرآیند بازدارندگی، تولید امنیت و بازآرایی قدرت منطقه‌ای را هدایت می‌کند

در مجموع، شواهد تحلیلی نشان می‌دهد که مقاومت در این گفتمان، نه یک مفهوم تک‌بعدی، بلکه یک منطق چندلایه در تولید نظم منطقه‌ای است؛ منطقی که در آن بازدارندگی از حالت صرفاً دفاعی خارج شده و به سازوکاری فعال برای بازآرایی موازنه قدرت تبدیل می‌شود. در این چارچوب، مفاهیمی همچون خلیج فارس و تنگه هرمز نیز از سطح جغرافیایی فراتر رفته و به نشانه‌های عینی تقابل میان دو الگوی نظم –نظم سلطه‌محور و نظم مقاومت‌محور– تبدیل می‌شوند؛ نظمی که در آن امنیت منطقه‌ای بر پایه کنشگری بومی و استقلال راهبردی بازیگران منطقه‌ای تعریف می‌شود.

ج) هویت مقاومت‌محور و الگوی «ایران قوی»

الگوی داده‌های تحلیل‌شده نشان می‌دهد که «هویت ملی» در گفتمان مورد بررسی نه به‌عنوان یک امر ثابت در چارچوب دولت- ملت، بلکه به‌مثابه یک برساخت پویا در پیوند با تحولات ژئوپلیتیکی غرب آسیا و بازآرایی نظم امنیتی منطقه‌ای صورت‌بندی می‌شود. در این ساختار معنایی، مجموعه داده‌ها حول یک هسته مرکزی با عنوان «تثبیت هویت مقاومت‌محور و بازتعریف قدرت ملی در قالب ایران قوی» سازمان‌دهی شده‌اند که سایر مضامین پایه و سازمان‌دهنده را به هم پیوند می‌دهد.

در سطح مضامین پایه، گزاره‌هایی همچون پیوند میان ظرفیت‌های علمی و قدرت ملی، نقش انسجام اجتماعی در تولید امنیت، گسترش حوزه اثرگذاری هویت ایرانی و ارتباط میان جبهه مقاومت و ارزش‌های انقلاب اسلامی قابل شناسایی است. این مضامین در سطح بالاتر در قالب مضمون سازمان‌دهنده «بازتعریف قدرت ملی در پیوند با هویت، دانش و کنشگری منطقه‌ای» تجمیع می‌شوند.

در همین چارچوب، یکی از دال‌های محوری گفتمان، بازتعریف مفهوم قدرت ملی است؛ به‌گونه‌ای که قدرت از سطح سخت‌افزاری صرف به مجموعه‌ای از ظرفیت‌های درهم‌تنیده انسانی، علمی، اجتماعی و تمدنی ارتقا می‌یابد. در پیام رهبر فرزانه انقلاب به مناسبت روز ملی خلیج فارس در دهم اردیبهشت ۱۴۰۵، این منطق به‌صورت زیر بیان شده است:« امروز برانگیختگی معجزه‌گون ملّت ایران، منحصر در ده‌ها میلیون جان‌فدای مبارزه با صهیونیسم و آمریکای خون‌ریز نمانده و پیشاپیش صفوف به‌هم پیوسته امّت مبعوث شده‌ی اسلامی؛ نود میلیون هموطن غیور و شریف ایرانی داخل و خارج از کشور، تمامی ظرفیت‌های هویتی، معنوی، انسانی، علمی، صنعتی و فناوری‌های پایه‌ای و نوین -از نانو و بیو تا هسته‌ای و موشکی- را سرمایه‌ی ملّی خود فرض کرده و همچون مرزهای آبی، خاکی و هوایی، پاسدار آن خواهند بود».

این گزاره نشان می‌دهد که دانش و فناوری نه صرفاً ابزار توسعه، بلکه بخشی از منطق تولید قدرت و بازدارندگی در گفتمان امنیتی تلقی می‌شوند. در نتیجه، قدرت ملی در این گفتمان از سطح نظامی صرف فراتر رفته و به یک مفهوم ترکیبی و چندلایه تبدیل شده است.

در امتداد همین منطق معنایی، مفهوم «ایران قوی» در گفتمان مورد بررسی، به‌عنوان یک الگوی هویتی ـ امنیتی تثبیت می‌شود. معظم‌له در فرازهای از پیام خود به‌مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم‌الشأن انقلاب در بیستم اردیبهشت ۱۴۰۵، با تأکید بر نقش انسجام ملت ایران در مواجهه با تهدیدات و تبدیل آن به منبع قدرت ملی، میان هویت جمعی و کارکرد امنیتی آن پیوندی مستقیم برقرار می‌کنند. این فراز از پیام رهبری نشان می‌دهد که در این گفتمان، هویت ملی به‌عنوان یک متغیر فعال در تولید امنیت و قدرت عمل می‌کند و انسجام اجتماعی بخشی از زیرساخت‌های بازدارندگی تلقی می‌شود.

در امتداد همین منطق، بعد ادراکی و نرم‌افزاری قدرت نیز در داده‌ها قابل شناسایی است. در این زمینه، گسترش حوزه اثرگذاری هویت ایرانی فراتر از مرزهای جغرافیایی مورد تأکید قرار گرفته است. این فراز از بیانات رهبر معظم انقلاب مبنی بر اینکه «پرچم ایران اسلامی نه فقط در جغرافیای خاکی کشور، بلکه در

دل‌های ملت‌های حق‌جو برافراشته می‌شود» نشان می‌دهد که قدرت در این گفتمان، علاوه بر مؤلفه‌های سخت، واجد ابعاد ادراکی و گفتمانی نیز هست و در سطح افکار عمومی منطقه‌ای بازتولید می‌شود.

در همین امتداد، هویت مقاومت‌محور در این گفتمان با مفهوم «جبهه مقاومت» پیوندی ارگانیک و ساختاری می‌یابد.

رهبر انقلاب اسلامی در نخستین پیام خود خطاب به ملت ایران در ۲۱ اسفند ۱۴۰۴ ضمن تشکر صمیمانه از رزمندگان جبهه مقاومت و با تاکید بر اینکه مقاومت جزئی جدایی‌ناپذیر از ارزش‌های انقلاب اسلامی است تصریح می‌کنند: « ما، کشورهای جبهه‌ی مقاومت را بهترین دوستان خود میدانیم و امر مقاومت و جبهه‌ی مقاومت، جزئی جدایی‌ناپذیر از ارزش‌های انقلاب اسلامی است. بی‌تردید همراهی اجزای این جبهه با یکدیگر، مسیر تخلّص از فتنه‌ی صهیونی را کوتاه‌تر مینماید؛ همچنان که دیدیم یمن شجاع و مؤمن، دست از دفاع از مردم مظلوم غزّه برنداشت و حزب‌الله فداکار علی‌رغم همه‌ی موانع به یاری جمهوری اسلامی آمده است و مقاومت عراق هم دلیرانه همین خط را در پیش گرفته است».

این گزاره بیانگر آن است که هویت در این گفتمان از سطح ملی فراتر رفته و در قالب یک شبکه منطقه‌ای از کنشگران هم‌سو بازتولید می‌شود.

بر اساس مجموعه این گزاره‌های تحلیلی، می‌توان چنین استنباط کرد که مفهوم «ایران قوی» در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، صرفاً بازنمایی قدرت ملی نیست، بلکه یک چارچوب هویتی چندلایه و درهم‌تنیده است که در آن، هویت، قدرت و امنیت در رابطه‌ای متقابل بازتولید می‌شوند. در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران نه صرفاً یک دولت در نظام بین‌الملل، بلکه یک کنشگر هویتی- تمدنی در فرآیند بازتعریف نظم منطقه‌ای غرب آسیا است؛ نظمی که در آن، هویت مقاومت‌محور به یکی از کانون‌های اصلی تولید مشروعیت، اقتدار و امنیت منطقه‌ای تبدیل می‌گردد.

د) جنگ تحمیلی سوم، بسیج اجتماعی و تولید قدرت ملی

الگوی تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مفهوم «جنگ تحمیلی سوم» در گفتمان مورد بررسی نه به‌عنوان یک منازعه کلاسیک نظامی، بلکه به‌مثابه یک وضعیت چندلایه ادراکی و ساختاری صورت‌بندی می‌شود؛ وضعیتی که هم‌زمان هم سطح بیرونی نظم امنیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم در سطح درونی به بازآرایی رابطه میان دولت، جامعه و منابع تولید قدرت منجر می‌شود. در این ساختار معنایی، تهدید خارجی به‌عنوان یک عامل فعال در آشکارسازی ظرفیت‌های اجتماعی و بازتعریف بنیان‌های قدرت ملی عمل می‌کند.

در سطح مضامین پایه، گزاره‌هایی همچون نقش ملت در تولید اقتدار، تبدیل تهدید به فرصت، شکل‌گیری انسجام اجتماعی در شرایط بحران و بازتولید قدرت از دل کنش جمعی قابل شناسایی است. این مضامین در سطح بالاتر در قالب مضمون سازمان‌دهنده «بسیج اجتماعی و بازآفرینی قدرت ملی در شرایط جنگ ترکیبی» تجمیع می‌شوند.

در سطحی کلان‌تر از منازعات کلاسیک نظامی، مفهوم «جنگ تحمیلی سوم» در این گفتمان به‌عنوان یک وضعیت چندلایه ادراکی و ساختاری قابل فهم است؛ وضعیتی که هم‌زمان هم نظم امنیتی بیرونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم در سطح درونی، به بازآرایی روابط میان دولت، جامعه و منابع قدرت منجر می‌شود. در این چارچوب، تهدید خارجی نه صرفاً یک رخداد نظامی، بلکه یک محرک فعال برای آشکارسازی ظرفیت‌های نهفته اجتماعی و بازتعریف بنیان‌های قدرت ملی عمل می‌کند.

در همین راستا، تأکید بر «پیروزی قطعی ملت ایران در این میدان» (پیام رهبر انقلاب، ۲۰۲۶/۴/۳۰)، نشان‌دهنده جابه‌جایی مهم در مرکز ثقل تولید قدرت از دولت به ملت است.

در امتداد این منطق، گزاره‌هایی مانند «ملت ایران کشور را رهبری و اقتدار آن را تضمین کرد» » (پیام رهبر انقلاب، ۲۰۲۶/۴/۳۰)، بیانگر تغییر در منطق کلاسیک تولید امنیت است؛ به‌گونه‌ای که امنیت دیگر صرفاً محصول سازوکارهای رسمی و نهادی نیست، بلکه برآیند مستقیم کنش جمعی، همبستگی اجتماعی و مشارکت فعال جامعه در شرایط بحران تلقی می‌شود. در این سطح، مرز میان «حاکمیت» و «جامعه» در تولید قدرت تا حد زیادی سیال و درهم‌تنیده می‌شود.

در ادامه همین پیوستار معنایی، مفهوم «تبدیل تهدید به فرصت» از سطح یک گزاره مدیریتی به یک منطق تفسیری در فهم بحران ارتقا می‌یابد؛ منطقی که در آن، فشار بیرونی به‌جای فرسایش اجتماعی، به بازتولید انسجام درونی و فعال‌سازی ظرفیت‌های نهفته اجتماعی منجر می‌شود. در این چارچوب، تعبیر «حماسه‌سازی از داغ و رجز از رثا» بیانگر فرآیندی است که در آن، رنج و تهدید به ماده خام تولید معنا و انسجام اجتماعی تبدیل می‌گردد.

در چنین منظومه‌ای، جنگ تحمیلی سوم (جنگ رمضان) به صحنه ظهور نوعی «سرمایه اجتماعی بسیج‌شده» تبدیل می‌شود؛ سرمایه‌ای که در آن اعتماد، مشارکت و هم‌افزایی اجتماعی به منابع مستقیم تولید قدرت ملی بدل می‌شوند. در این معنا، قدرت نه صرفاً در ساختارهای رسمی، بلکه در شبکه‌ای از کنش‌های اجتماعی و ظرفیت‌های ارتباطی جامعه بازتولید می‌شود.

در جمع‌بندی این مقوله می‌توان گفت، الگوی داده‌ها نشان می‌دهد که «جنگ رمضان» در این گفتمان به‌عنوان یک سازوکار فعال در تولید و بازتولید قدرت ملی صورت‌بندی می‌شود؛ سازوکاری که در آن جامعه از موقعیت یک واحد تحت فشار، به جایگاه یک کنشگر مولد قدرت ارتقا یافته و بحران به بستری برای بازآفرینی هم‌زمان انسجام اجتماعی و ظرفیت‌های راهبردی تبدیل می‌شود.

هـ) اقتصاد مقاومتی و مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن

یافته‌های حاصل از داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که «اقتصاد مقاومتی» در گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی نه صرفاً یک سیاست اقتصادی، بلکه بخشی از معماری کلان امنیت در شرایط جنگ ترکیبی بازنمایی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که میدان تهدید از سطح نظامی فراتر رفته و در قالب یک ساختار چندلایه شامل ابعاد اقتصادی، رسانه‌ای و شناختی صورت‌بندی می‌گردد.

در این ساختار معنایی، مضامین پایه‌ای شامل پیوند اقتصاد با امنیت ملی، تبدیل اقتصاد به جبهه مقاومت، نقش رسانه در تولید ادراک جمعی، و تأثیر جنگ شناختی بر انسجام اجتماعی قابل شناسایی است. این مضامین در سطح بالاتر در قالب مضمون سازمان‌دهنده «امنیتی‌سازی اقتصاد و ادراک در چارچوب جنگ ترکیبی» تجمیع می‌شوند.

در همین راستا، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام نوروزی آغاز سال ۱۴۰۵ با اشاره به این‌که «یک روزنه امید دشمن، بهره‌گیری از ضعفهای اقتصادی و مدیریتی است که از دیرباز شکل گرفته است»، به‌طور مستقیم پیوند میان وضعیت اقتصادی و منطق تقابل راهبردی را صورت‌بندی می‌کنند.

این گزاره نشان می‌دهد که اقتصاد در این گفتمان نه یک حوزه صرفاً توسعه‌ای، بلکه یکی از گره‌گاه‌های اصلی اعمال فشار در جنگ ترکیبی تلقی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ضعف اقتصادی به‌عنوان امکان مداخله راهبردی دشمن بازنمایی می‌گردد.

در ادامه همین منطق، بُعد رسانه‌ای و ادراکی تهدید نیز برجسته می‌شود؛ جایی که زهبر معظم انقلاب چنین تصریح می‌کنند: «یک مسیر دشمن، عملیات رسانه‌ای او است که در این ایام به‌طور خاص با نشانه‌گیری ذهن و روان آحادی از مردم قصد خدشه در وحدت ملّی و به تبَع در امنیت ملی را دارد. ما باید مواظب باشیم تا مبادا در اثر سهل‌انگاری و بدست خود ما این قصد شوم تحقق یابد. از این‌رو توصیه‌ام به رسانه‌های داخلی کشورمان با همه تفاوت‌های فکری، سیاسی و فرهنگی که ممکن است داشته باشند این است که از پرداختن به نقاط ضعف بطور جدی خودداری کنند. در غیر این‌صورت امکان وصول دشمن به مقصودش وجود دارد» (پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۲۰۲۶/۳/۲۰).

این گزاره در سطح تحلیل مضمون نشان می‌دهد که امنیت ملی از سطح زیرساخت‌های مادی به حوزه ادراک، ذهن و سرمایه روانی جامعه گسترش یافته و جنگ ترکیبی واجد بعد شناختی پررنگ شده است.

در امتداد همین منطق، رسانه در داده‌ها نه به‌عنوان ابزار خنثی اطلاع‌رسانی، بلکه به‌عنوان بخشی از سازوکار تولید یا تخریب انسجام اجتماعی بازنمایی می‌شود. تأکید بر ضرورت «مراقبت از گوشهایمان که پنجره مغز و قلب است در مقابل رسانه‌های تحت حمایت دشمن یا همسوی با ایشان» (پیام رهبر انقلاب، ۲۰۲۶/۳/۲۰)، نشان‌دهنده همین تغییر جایگاه رسانه در ساختار تهدید است؛ جایی که رسانه به یک عامل مؤثر در تولید یا تضعیف انسجام اجتماعی بدل می‌شود.

در نتیجه، مفهوم مقاومت در این گفتمان واجد ماهیتی چندسطحی و شبکه‌ای است که هم‌زمان ابعاد اقتصادی، رسانه‌ای، شناختی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. در این چارچوب، امنیت ملی نه صرفاً محصول توان نظامی، بلکه برآیند هم‌زمان تاب‌آوری اقتصادی، انسجام اجتماعی و آگاهی ادراکی جامعه است. از این منظر، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی این منظومه، به سازوکاری برای کاهش آسیب‌پذیری ساختاری و تقویت ظرفیت‌های درونی کشور در برابر اشکال نوین سلطه تبدیل می‌شود.

باید تأکید کرد که یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون در این پژوهش صرفاً در سطح توصیف و طبقه‌بندی مضامین متوقف نمی‌ماند، بلکه در مرحله نهایی در قالب یک الگوی مفهومی یکپارچه و شبکه‌ای باز

صورت‌بندی می‌شود. این الگو با بازنمایی نظام‌مند روابط میان مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، امکان درک ساختار کلان و منطق حاکم بر گفتمان امنیتی مورد مطالعه را فراهم می‌سازد.

بر این اساس، در بخش پایانی مقاله، نتایج تحلیل در قالب «مدل مفهومی نهایی پژوهش» ارائه می‌گردد؛ مدلی که به‌صورت گرافیکی و ساختاری، چگونگی پیوند میان مقولات اصلی و سازوکارهای تولید معنا در گفتمان بازتعریف نظم امنیتی غرب آسیا را تبیین می‌کند و جمع‌بندی نهایی روابط میان مفاهیم کلیدی از جمله مقاومت، بازدارندگی، افول هژمونی و اقتصاد مقاومتی را در چارچوبی شبکه‌ای و نظام‌مند صورت‌بندی می‌نماید.



نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر بازنمایی نظم امنیتی غرب آسیا در گفتمان رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون مبتنی بر شبکه مضامین، نشان داد که این

گفتمان واجد منطق معنایی منسجم، چندلایه و راهبردی در بازتعریف مفاهیم بنیادین امنیت، قدرت و نظم منطقه‌ای است. در این چارچوب، نظم امنیتی نه به‌عنوان یک وضعیت ژئوپلیتیکی صرف، بلکه به‌مثابه یک «برساخت گفتمانی ـ هویتی» قابل فهم است که در آن، معنا از طریق کنش‌های گفتاری، صورت‌بندی دوگانه‌های معنایی و فرایندهای بازنمایی و طرد (دیگری‌سازی) تولید و تثبیت می‌شود. بر این اساس، مفاهیمی همچون مقاومت، نفی سلطه، استقلال، بازدارندگی و امنیت درون‌زا نه صرفاً مفاهیم توصیفی، بلکه عناصر فعال در تولید نظم مطلوب منطقه‌ای و بازتعریف سوژه‌های سیاسی در سطح منطقه‌ای هستند.

در امتداد این چارچوب تحلیلی، یافته‌ها نشان می‌دهند که «افول هژمونی آمریکا» نه یک رخداد مقطعی، بلکه یک روند ادراکی ـ ساختاری در حال تکوین است که در آن نقش ایالات متحده از «تأمین‌کننده امنیت» به «منبع بی‌ثباتی» تغییر یافته است. این جابه‌جایی معنایی، امکان تصور نظم منطقه‌ای مستقل از قدرت‌های فرامنطقه‌ای را فراهم کرده و زمینه گذار از نظم تک‌قطبی به نظم چندکانونی را تقویت می‌کند.

در محور دوم، «مقاومت» در این گفتمان از سطح یک کنش واکنشی فراتر رفته و به یک منطق تولیدکننده نظم تبدیل شده است. در این معنا، مقاومت صرفاً ابزار دفاعی نیست، بلکه سازوکار بازتعریف موازنه قدرت، تولید بازدارندگی و بازآرایی معماری امنیت منطقه‌ای است. پیوند میان مقاومت، نفی حضور بیگانگان و مدیریت حوزه‌های ژئوپلیتیکی نشان می‌دهد که مقاومت واجد کارکردی ساختاری و پارادایمی در سطح امنیت منطقه‌ای است.

در محور سوم، «هویت مقاومت‌محور» و ایده «ایران قوی» به‌عنوان یکی از کانون‌های مرکزی این منظومه معنایی شناسایی شد. در این چارچوب، قدرت ملی صرفاً بر مؤلفه‌های نظامی استوار نیست، بلکه بر ترکیب سرمایه اجتماعی، انسجام درونی، پیشرفت علمی و ظرفیت‌های تمدنی شکل می‌گیرد. در نتیجه، هویت ملی از یک امر ثابت فرهنگی به یک سازوکار فعال در تولید قدرت و بازدارندگی ارتقا یافته و جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه یک کنشگر تمدنی ـ گفتمانی در سطح منطقه‌ای بازنمایی می‌شود.

در محور چهارم، مفهوم «جنگ تحمیلی سوم» به‌عنوان لحظه‌ای گفتمانی در بازتولید قدرت اجتماعی و بازسازی انسجام ملی تحلیل شد. در این سطح، جنگ صرفاً یک رخداد نظامی نیست، بلکه بستری برای فعال‌سازی ظرفیت‌های اجتماعی و تبدیل جامعه به کنشگر مولد امنیت است. در نتیجه، تهدید خارجی در این گفتمان به فرصتی برای بازآفرینی سرمایه اجتماعی و تقویت انسجام ملی تبدیل می‌شود.

در محور پنجم، «اقتصاد مقاومتی» و مواجهه با جنگ ترکیبی نشان داد که امنیت در این گفتمان ماهیتی چندبعدی دارد. میدان منازعه از عرصه نظامی فراتر رفته و شامل اقتصاد، رسانه و ساحت شناختی جامعه می‌شود. در این چارچوب، آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و ادراکی به‌عنوان نقاط تمرکز جنگ ترکیبی دشمن شناسایی شده و در مقابل، تاب‌آوری اقتصادی، انسجام اجتماعی و صیانت از ادراک عمومی به‌عنوان اجزای امنیت ملی بازتعریف می‌شوند.

در مجموع، گفتمان مورد بررسی واجد ساختاری منسجم است که در آن مفاهیمی همچون مقاومت، بازدارندگی فعال، نفی سلطه، ایران قوی و انسجام ملی در یک منظومه معنایی به‌هم‌پیوسته عمل می‌کنند.

این گفتمان نه صرفاً توصیف‌کننده واقعیت منطقه‌ای، بلکه تولیدکننده یک چارچوب معنایی بدیل برای فهم نظم در غرب آسیاست.

بر این اساس، نظم در حال ظهور در این گفتمان را می‌توان نظمی چندمرکزی، مقاومت‌محور و مبتنی بر ظرفیت‌های درون‌زا دانست؛ نظمی که در آن نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای کمرنگ شده و کنشگران بومی و منطقه‌ای به بازیگران اصلی تولید امنیت تبدیل می‌شوند. این تحول بیانگر گذار از نظم امنیتی مبتنی بر سلطه به نظمی مبتنی بر برساخت گفتمانی، خوداتکایی و بازدارندگی فعال است؛ نظمی که در آن امنیت نه محصول تحمیل بیرونی، بلکه نتیجه تولید معنا، کنش جمعی و بازآفرینی درون‌زای قدرت است.

References

- Attride ،Stirling .J, (2001). "Networks Thematic: An Analytic Tool for Qualitative Research", Qualitative Research, Vol. 1, No.3: 385- 405.
- Austin, J. L. (1962). *How to Do Things with Words*. Oxford: Oxford University Press.
- Braun, V. & Clarke, V., (2006). "Using thematic analysis in psychology". Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No.2: 77- 101.
- Buzan, B., & Wæver, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Cambridge University Press.
- Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner Publishers.
- Campbell, D. (1998). *Writing Security: United States Foreign Policy and the Politics of Identity* (Revised Edition). University of Minnesota Press.
- Dehshiri, Ebrahim; Hosseini-Fahraji, Mohammad Hossein (2020). "Resistance and Regional Order in West Asia". Global Politics Quarterly*, Vol.8, No. 1: 55-80. (In Persian)
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis*: The Critical Study of Language. London: Longman.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. Longman.
- Foucault, M. (1972). *The Archaeology of Knowledge*. New York: Pantheon Books.
- Haghpanah, Jafar; Bidollahkhani, Arash (2019). "The Islamic Republic of Iran and Security Patterns in Southwest Asia", Regional Studies Quarterly, Vol.12, No.2: 41-68. (In Persian)
- Jasiz, Ahmad; Rezapour, Danial (2022). "Nomos, the Axis of Resistance, and Regional Order in West Asia", Geopolitics Quarterly, Vol. 17, No. 4: 133-160. (In Persian)
- Khanalizadeh, Mehdi; Salimi, Hossein (2025). "The Position of the Resistance Front in the Transformations of the Security Order in West Asia during the Post-Cold War Era".

Allameh Tabataba'i University, Strategic Policy Research Quarterly, Vol. 14, No. 55: 85-122. (In Persian)

- Khodaverdi, Hassan; Nabavi, Mehdi (2021). "The Impact of the 'Axis of Resistance' and the National Security of the Islamic Republic of Iran on the Regional Security Order in West Asia", Strategic Defense Studies Quarterly, Vol. 18, No 1: 97-124. (In Persian)
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy*. Verso.
- M. B Miles, A. M Huberman, (1994). *Qualitative Data Analysis: An Expanded Sourcebook*, Canada: Thousand Oaks.
- Message from the Supreme Leader of the Revolution, Ayatollah Seyyed Mojtaba Hosseini Khamenei, on the occasion of the 40th day since the martyrdom of Imam Ayatollah Seyyed Ali Khamenei, and significant issues concerning the Third Imposed War; 9/4/2026, available at: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=62808. (In Persian)
- Message from the Supreme Leader of the Revolution, Ayatollah Seyyed Mojtaba Hosseini Khamenei, on the occasion of the beginning of the year 1405-the year of "Resistance Economy under the Aegis of National Unity and National Security"—dated 20/3/2026; available at: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=62807. (In Persian)
- Message of the Supreme Leader of the Revolution, Ayatollah Seyyed Mojtaba Hosseini Khamenei, on the occasion of the National Day of the Persian Gulf, 30/4/2026, available at :https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=62869. (In Persian)
- Mohammadi, Shahram; Jafari Pabandi, Seyyed Farshid; and Khoshkhatti, Mehdi (2021). "A Comparative Analytical Study of Security Arrangements in West Asia and Their Impact on the Security of the Islamic Republic of Iran: From the Perspective of the Copenhagen School". Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World, Vol. 9, No. 3: 85-112. (In Persian)
- N King, C. Horrocks (2010). *Interviews in qualitative research*, London: Sage Publications Ltd.
- Searle, J. R. (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- The first message of Ayatollah Seyyed Mojtaba Hosseini Khamenei, Supreme Leader of the Islamic Revolution, 12/3/2026, available at :https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=62800. (In Persian)
- Wæver, O. (1995). "Securitization and DE securitization." In *On Security*. Columbia University Press.
- Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge University Press.